

قسمت دوم و پایانی

خاطراتی از زنده یاد حاج یداله آملی

جهانگیر عباسی



مغازه پسران کار می‌کنم نمی‌توانم ادامه تحصیل بدهم بانوی محترمه گفتند ناراحت نباش روز بعد به پسرشان آقا هوشنگ گفتند فردا جهانگیر را زودتر آزاد بکن تا بیاید منزل کارش دارم. منزلشان خیابان منوچهری نزدیک دروازه کازرون بود بعد از ظهر کارهای نظافت و غیره را در مغازه انجام دادم با کسب اجازه از ایشان گفت: امروز مادر تان کارم دارند چکار بکنم؟ گفتند برو مانعی ندارد. زود رفته منزلشان تا رسیدم و سلامی کردم، گفت: جهانگیر گرسنه نیستی خجالت کشیدم گفت شب می‌روم در جایگاه شایه‌نام شام می‌خورم فوراً به خانم پسرشان بانو پروین خانی دختر عمویش گفت: مقداری غذا برای جهانگیر بیاور تا بخورد. من هم با رودرواسی کمی غذا خوردم.

گفتند: زودباش همراه من بیا تا برویم دبیرستان حاج قوام که در شمال دروازه کازرون بود حالا هم بنام آموزشگاه حاج قوام معروف است علی‌القاعده با شوق و ذوق همراه ایشان رفتیم پیش مدیر دبیرستان سلام و احوال‌پرسی کردیم. پس از احوال‌پرسی مادر آقای دادخواه به مدیر دبیرستان گفتند: آقای ریاضی این جوان مورد اطمینان خانواده ما است. در مغازه پسر هوشنگ کار می‌کند، علاقه دارد درس بخواند و ادامه تحصیل بدهد نام او را در لیست دانش‌آموزان مدرسه شایه بنویسند و بی‌نیازی سفارش مرا به ایشان کنید و به آقای ریاضی گفتند: فکر کن این جوان هوشنگ همکار است، به معلمان هم سفارش بکنید تا به او بهتر درس یاد بدهند. روحش شاد و یادش گرامی. خداوند او را بیامرزد. تا دوم دبیرستان ادامه تحصیل دادم.

۵- متأسفانه در بهار سال ۱۳۴۳ از طریق اداره وظیفه عمومی به من ابلاغ نمودند که بایستی یک ماه دیگر به خدمت سربازی بروی یک ماه بعد به ناچار با گریه و زاری از آن‌ها خداحافظی کردم.

همراه دیگر مشمولان برای خدمت سربازی ما را به پادگان آموزشی چهارم بردند. پس از پایان سه‌ماهه دوره آموزشی سرانجام با عده‌ای سرباز ما را به اهواز بردند. سه ماه در اهواز با عملیات نظامی سخت‌تر آشنا شدیم.

۶- مجدداً ما را به پادگان تیپ ۲۴ رزهی دزفول شرق پایگاه هوایی وحدتی قدیم انتقال دادند. مدت ۱۵ ماه بنام انباردار گروهان یکم دسته یکم گردان ۸۲ پیاده رزهی خدمت نمودم سه ماه به پایان خدمت سربازی ام مانده بود چون فرمانده گروهان سروان عبدالله صفوی اصفهانی از نحوه خدمت راضی بودند اجازه دادند که مرا با عده‌ای دیگر سربازان هم‌دوره‌ام از گروهبان‌های اول، دوم و سوم برای آموزشگاه فنی و حرفه‌ای ارتش واقع در پادگان هواپرد به شیراز آوردند و در رشته برق آموزش دیدم.

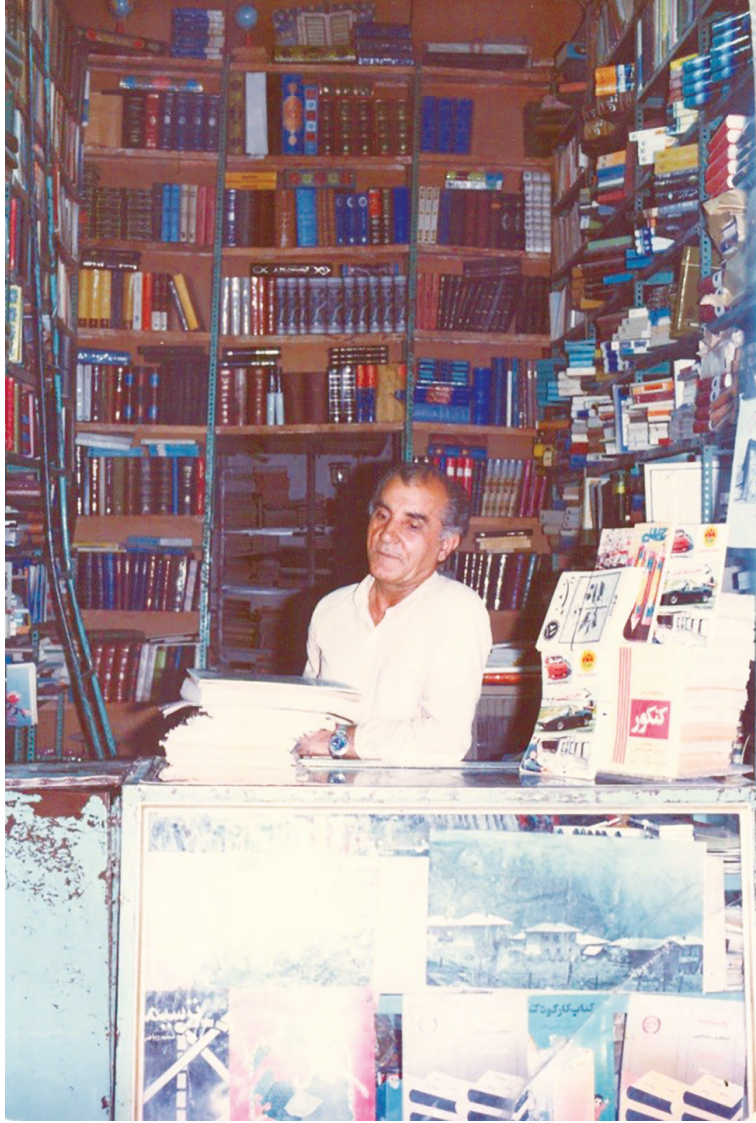
۷- بعد از پایان خدمت سربازی پس از گذشت چند ماه، برای استخدام در سازمان ژاندارمری به تهران رفتم یک سال و نیم با طی کردن دوره‌های فنی و حرفه‌ای مکانیکی، مهندسی، کوه‌نوردی و گرفتن گواهی رانندگی در تقسیم‌بندی کارکنان مرا به استان فارس انتقال دادند.

۸- از ناحیه فارس مرا به گردان ژاندارمری لارستان انتقال دادند.

۹- در سال ۱۳۴۸ مدت ۶ ماه با عده‌ای افسر، درجه‌دار و سرباز به ما مأموریت دادند که در گردان رزمی فارس به فرماندهی سروان زاهدی در گردان مستطقی سردشت ضمن حفاظت از مرز کشورمان از کردهای ملا مصطفی بارزانی حمایت و حفاظت کنیم.

۱۰- حدود پنج سال در منطقه لارستان خدمت نمودم؛ در شهریورماه ۱۳۵۲ مرا از گردان لارستان به هنگ ژاندارمری فسا انتقال دادند. به علت نیاز به کارکنان من مرا به دسته ژاندارمری خفر جمعی گروهان جهرم انتقال دادند.

۱۱- به علت بیماری مزمن جسمی همسرم این‌جانب از دسته ژاندارمری خفر به مرکز گروهان جهرم منتقل شدم. در محله علی پهلوان جنب مسجد و حسینیه صاحب‌الزمان و مسجد قبله که از زمان رژیم طاغوت جایگاه نماز جمعه بود منزل کرایه کردم. همسر مرحومه‌ام از اهالی محله امام‌زاده شهر لار بود. منزل فامیل‌هایش و پدرشان جنب منزل حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج آقا سید عبدالعلی آیت‌اللهی لاری بقول اهالی شهرستان لار آقای کیعی (بزرگ) بودند که با خانواده و خود ایشان ارتباط تنگاتنگ داشتند به طبع بنده هم با آن‌ها آشنا شدم. روزهای جمعه هم در مسجد جامع نزدیک بازار قیصریه در ادای نماز



جمعه شرکت می‌نمودم.

۱۲- پس‌ازاینکه از لار به جهرم منتقل شدم مجدداً خود و همسر با حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج آقا سید حسین آیت‌اللهی لاری برادر حاج سید عبدالعلی که امام‌جمعه جهرم بودند و با ایشان خانواده‌شان ارتباط دوستانه داشتند. از اوج نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی به علت اطمینان خاص فی‌مابین به همراه آقایان میمنه مداح معروف جهرم و محمدمهدی کلوانی، محمدصادق مهربان و علی صحرايان جزء نفرات اصلی کمیته انقلاب اسلامی جهرم بودیم.

۱۳- در شهریورماه ۱۳۵۸ فرماندهی سازمان ژاندارمری دستورالعمل کلی به واحدها ابلاغ کردند که کلیه کارکنان بایستی برای ادامه خدمت به محل زادگاهشان انتقال یابند و در محدوده مناطق زادگاه خود خدمت نمایند. روی‌هم‌رفته بدین منظور مرا از گروهان جهرم به هنگ ژاندارمری کازرون انتقال دادند و به مجرد رسیدن به کازرون مرا به گروهان مصیری خاک رستم اختصاص دادند.

۱۴- در مورخه ۱۳۵۸/۸/۲۰ در کوچه برق نزدیک هم‌محلی‌هایم منزلی کرایه نمودم.

بعد مرخصی گرفتم رفتم جهرم وسایل زندگی ام را با اعضای خانواده‌ام از جهرم به کازرون آوردم. خانواده‌ام در کازرون سکنا گزیدند.

سپس در مورخه ۱۳۵۸/۸/۲۶ خود را به گروهان مصیری خاک رستم معرفی نمودم. پس از چهار ماه خدمت در گروهان ژاندارمری مصیری پهناچار در مورخه ۱۳۵۸/۱۲/۱۵ به علت بیماری مزمن جسمانی همسرم این‌جانب را به گروهان کازرون انتقال‌دادند. در مورخه ۱۳۵۸/۰۷/۱۰ پس از گذشت ۲۵ سال و اندی دوری از شهر کازرون و محل زادگاهم روستای گرگنا به یک‌باره یاد آمد که به علت نبودن موقعیت و نداشتن سعادت حضوری تا بحال نتوانستم به خدمت آقای حاج یداله آملی برسم. سرانجام با شوق و ذوق و وصف‌ناشدنی به حضورشان رسیدم. پس از سلام و علیک و احوال‌پرسی دیدم که ایشان مانند گذشته همان خلوص نیت انسانی، حالت فرهیختگی، همان شخصیت بارز، همان فروتنی، همان حالت صابر بودن، همان وقار وارسته در وجودشان نمایان است. به ایشان گفت چاکرت را به نظر می‌آورد.



فرمودند: شرمندهم شما را درست بنا نمی‌آورم.

در جوابشان گفتم حق دارید گناه و خطا، عدم حضور، بی‌عرفتی و کم سعادتی از طرف بنده بوده و است. گفتم آقای آملی ۲۵ سال و اندی پیش زمانی که بنده نوجوان بودم همراه مرحوم پدرم از یکی از روستاهای دشت برم می‌آمدیم به حضورتان نوشت‌افزار و کتاب برای جنابعالی به من گفتید بارک الله در سمداد هم هدیه به من دادید. فوراً کمی مکت کردند و در اندیشه فرو رفتند. یک‌مرتبه مرا در بغل گرفتند و بوسیدند، بسیار خوشحال شدند و گفتند: حالا یادم آمد.

۱۵- از آن روز به بعد بیش از هفتاد جلد کتاب مذهبی، تاریخی نوشت‌افزار و روزنامه ایران از ایشان خریداری نمودم خوشبختانه مدتی هم در محدوده مسجد موحد و خیابان نهضت و مهمانسرای فرهنگیان سعادت همسایه گری با وی داشتم. هرچه درباره اخلاق، رفتار، کردار، علم و معرفت شخصیت فرهیختگی و فرهنگ انسانی با داشتن وقار الهی در حد درک و فهم نسبت به زنده‌یاد مرحوم حاج یداله آملی بگویم و بنویسم باز هم کم است.

۱۶- اما افسوس که تقدیر روزگار با گذشت زمان و گردش چرخ دوران دست رد بر سینه‌ی علاقه‌مندان زد و به امر خداوند یکتا روح عارفانه‌اش به ملکوت اعلا پیوست و جسم پاکش در دامن خاک آرمید. از درگاه آفریده‌ی آسمان‌ها و زمین و کل موجودات عالم برایشان طلب رستگاری و رسیدن به مقام معنوی در بهشت اعلا و حضور در کنار حوض

۱۷- در سال ۱۳۶۱ پس از به شهادت رسیدن برادرم شهید فضل‌اله عباسی به‌طور داوطلبانه به جبهه رفتم مدت ۸ ماه خدمت فداکارانه در موقع عملیات پس گرفتن سد بوکان آذربایجان غربی از دست ضد انقلابیون کومله و دموکرات در خاتمه مأموریت با وارد شدن صدمه بدنی همراه دیگر هم‌زمان به کازرون مراجعه نمودیم و در واحد پشتیبانی مشغول انجام وظیفه بودم. در مورخه ۱۳۷۳/۸/۷ پس از سی سال خدمت صادقانه به افتخار بازنشستگی نائل شدم.

۱۸- ضمناً از سال ۱۳۶۹ تا هم‌اکنون بسیاری مطالب پیرامون جاده کازرون، دریاچه پریشان، غار شاپور، امام‌زاده سید حسین و دیگر کمبودهای حومه کازرون برای مسئولین کشوری و نهادهای انقلابی و جراید نوشته و فرستادم که در کلیه نشریات و جراید چاپ گردید و در موقع مسیریابی و تکوین و نقشه‌برداری مسیر جاده به همراهی مهندسان مشاور اتحاد راه فارس و فرآشاد آقایان مهندس قهرمانی طرح و نقشه‌برداری راه‌آهن کرمان بندرعباس با مهندس کریمی و بهادری و گروه نقشه‌برداری شرکت کالبرگراف آقایان پایمر و پذیرش و رحیمی و شرکت نقشه‌برداری پیام‌پیش ایران مستقر خیابان سراج در تهران آقایان مهندس وزیری، فقیهی، زارع بدون دستمزد و انعام فزایی مجدداً داشت تا جایی که به علت فعالیت و مکاتبات عدیده و آشنا بودن از کل مسیر جاده کازرون دشت ارژن به این‌جانب لقب مسیریاب و پدر مکاتبه جاده کازرون دادند. روی‌هم‌رفته بنده یک خدمتگزار کوچک بی توقع در مقابل شهروندان ارجمند منطقه کازرون بوده و خواهم بود.

با تقدیم احترام خدمتگزار کوچک مسیریاب اولیه و پدر مکاتبه‌ی جاده جدید کازرون دشت ارژن.

جهانگیر عباسی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی آن

برابر رأی شماره ۱۱۱۹/۱۴۰۰۳۱۱۰۱۳۹۶۶ مورخ ۹۶/۵/۸ هیأت موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تصرفات مالکانه و بلاعارض آقای بدله حسینی فرزند عباسعلی به شماره شناسنامه ۱۶۷۵ و شماره ملی ۲۵۳۹۳۶۴۵۹۱ صادره از اقلید در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی به مساحت ۲۹۵۸۳ مترمربع باستانای موازی ۵۷۰ مترمربع مسیر و حریم شبکه انتقال گاز در قسمتی از ۹۳ قرار دارد در شهرستان اقلید بخش ۱۶ فارس سرحد چهاردانگ روستای آب باریک که جهت آن پلاک ۱۳ فرعی از ۹۳ منظور گردیده مالکیت رسمی (۱) مالکیت آقای نواز ایزدپناه فرزند کهزاد موضوع سند شماره ۱۲۵۶۹ مورخ ۸۷/۶/۲ دفتر ۱۴۰ اقلید خریداری از آقای ولی اله قاسمی و انتقالی در اجرای مقررات کتبت موقت از آقایان محمد و مصطفی و خانم هما بیات به موجب سند شماره ۱۶۱۷۵ مورخ ۶۹/۱۱/۲۰ دفتر ۳۶ اقلید ۲) کل مالکیت آقای کهزاد ایزد پناه فرزند بهزاد موضوع سند شماره ۱۲۶۱۶ مورخ ۸۷/۶/۶ دفتر ۱۴۰ اقلید خریداری از ارسطو (دبیع اله) قاسمی فرزند محمد و بموجب سند شماره ۲۹۶۲۹ مورخ ۷۲/۲/۶ دفتر ۳۶ اقلید انتقالی از امان اله شریفی و انتقالی در اجرای قانون کتبت موقت از آقایان محمد و مصطفی و خانم هما بیات به موجب سند شماره ۱۵۹۸۹ مورخ ۶۹/۱۱/۲۰ دفتر ۳۶ اقلید ۳) کل مالکیت آقای فرج اله قاسمی فرزند محمد موضوع سند شماره ۱۶۱۷۴ مورخ ۶۹/۱۱/۲۰ دفتر ۳۶ اقلید انتقالی در اجرای قانون کتبت موقت از آقایان محمد و مصطفی و خانم هما بیات محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۳۷۳/ م الف / ۲۸۹۶۴/۱۷۸۴۹ تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۱۰/۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۱۰/۱۹

رضا رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک اقلید

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی آن

برابر رأی شماره ۱۱۱۹/۱۴۰۰۳۱۱۰۱۳۹۶۶ مورخ ۹۷/۹/۱۷ هیأت موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست مربوطه اخذ و به اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تحویل نمایند.

بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱- رای شماره ۱۱۷۲۳/۱۴۰۰۳۱۱۰۱۳۹۶۶ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۷ هیأت موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تصرفات مالکانه و بلاعارض خانم فاطمه عابدی به شماره شناسنامه ۲۵۳۰۲۱۶۴۹۵ و شماره ملی ۲۵۳۰۲۱۶۴۹۵ صادره از اقلید در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب خانه دو طبقه به مساحت ۲۰۰/۱۵ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۵۹۱۹ واقع در بخش ۱۵ فارس شهرستان اقلید مزرعه صادالاسود علیا ۱۴ متری بوستان جنوبی که جهت آن پلاک ۵۹۱۹/۱۵ منظور گردیده انتقال ملک از مالک رسمی آقای اصغر حیدرینا و کلیه وراث محمد ولد خادرحم

۲- رای شماره ۱۱۷۲۴/۱۴۰۰۳۱۱۰۱۳۹۶۶ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۷ هیأت موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تصرفات مالکانه و بلاعارض خانم راضیه علوی به شماره شناسنامه ۲۵۳۰۱۷۲۷۳ و شماره ملی ۲۵۳۰۱۷۲۷۳ صادره از اقلید در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب خانه دو طبقه به مساحت ۲۰۰/۱۵ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۵۹۱۹ واقع در بخش ۱۵ فارس شهرستان اقلید مزرعه صادالاسود علیا ۱۴ متری بوستان جنوبی که جهت آن پلاک ۵۹۱۹/۱۵ منظور گردیده انتقال ملک از مالک رسمی آقای اصغر حیدرینا و کلیه وراث محمد ولد خادرحم

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۱۰/۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۱۰/۱۹

رضا رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک اقلید